

بررسی اثر متقابل فساد مالی و شاخص‌های جنسیتی: مطالعه موردی منتخبی از کشورهای جهان

[DOR:20.1001.1.00398969.1399.55.3.2.7](https://doi.org/10.100398969.1399.55.3.2.7)

نعیمه حمیدی^۱، کریم آذربایجانی^{۲*}، مرتضی سامتی^۳

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)

nhamidi66@yahoo.com

۲. استاد گروه اقتصاد دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه اصفهان،

k_azarbayjani@ase.ui.ac.ir

۳. استاد گروه اقتصاد دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه اصفهان، msameti@gmail.com

نوع مقاله: علمی پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶

چکیده

آیا افزایش حضور زنان در دولت منجر به فساد مالی کمتری می‌شود یا فساد مالی از حضور زنان جلوگیری می‌کند؟ آیا این اثرات به اندازه کافی در یک یا هر دو جهت معنی‌دار هستند؟ مقاله حاضر با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی پویا (GMM-SYSTEM) و داده‌های آماری ۸۹ کشور جهان که شامل کشور ایران نیز می‌باشند طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۷ با بررسی ارتباط شاخص‌های فساد مالی و جنسیت به سؤالات فوق پاسخ داده است. نتایج حاصل از سیستم‌های برآوردی حاکی از آن است که نهاد دولت حلقه مفقوده این رابطه و معنی‌دار می‌باشد.

طبقه‌بندی JEL: J11, H12, J08, J16, J18, O11

واژه‌های کلیدی: فساد مالی، جنسیت، نهادها، دولت، GMM-SYSTEM

۱- مقدمه

فساد مالی یکی از پدیده‌های مخرب اقتصادی است که قدمت آن در جامعه بشری به بیش از دو هزار سال می‌رسد. اما از سال ۱۹۹۰ به بعد به دلایلی از جمله پررنگ شدن نقش سازمان‌هایی نظیر بانک جهانی^۱ (WB)، صندوق بین‌المللی پول^۲ (IMF) و سازمان شفافیت بین‌الملل^۳ (TI) در جهت شناساندن اثرات مخرب این پدیده و تلاش در جهت افزایش اقدامات ضد فساد مالی، آثار و پیامدهای فساد مالی بر اقتصاد توجه بسیاری را به خود جلب کرده است، لذا به منظور تبیین استراتژی‌های ضد فساد مالی، مطالعات فراوانی در زمینه شناسایی ریشه‌ها و پیامدهای آن در علوم اقتصادی، روانشناسی و علوم سیاسی صورت گرفته است. یکی از این استراتژی‌ها که نتیجه دو مطالعه پیشرو در زمینه جنسیت و فساد مالی در سال ۲۰۰۱ بوده و همچنان نیز مورد تأیید بسیاری از اندیشمندان و تصمیم‌سازان می‌باشد، مبنی بر آن است که «با مشارکت بیشتر زنان در بخش عمومی و سیاست، فساد مالی کاهش می‌یابد». در راستای اثرگذاری این فرضیه در تصمیم‌سازی‌ها، می‌توان به هدف سوم از مجموعه اهداف توسعه هزاره^۴ مبنی بر "ارتقاء برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان" اشاره کرد.

در این راستا پژوهش حاضر برای اولین بار نهاد دولت را به‌عنوان حلقه مفقوده رابطه بین فساد مالی و جنسیت، معرفی کرده و مورد بررسی قرار داده است. در مقاله حاضر تلاش می‌شود با استفاده از اطلاعات ۸۹ کشور جهان طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۸ و با استفاده از تکنیک پانل دیتا گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی (GMM-SYSTEM) مبتنی بر روش متغیرهای ابزاری (IV) به بررسی فرضیه‌های زیر پرداخته شود.

فرضیه اول: بین فساد مالی و جنسیت رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: نهادها حلقه اتصال ارتباط بین فساد مالی و جنسیت می‌باشند.

در این راستا از متغیرهای اصلی ادراک فساد مالی^۵ CPI و به‌منظور بررسی حساسیت نتایج نسبت به شاخص‌های جنسیتی دو شاخص جنسیتی سازمان توسعه

-
1. World Bank (WB)
 2. International Monetary Fund (IMF)
 3. Transparency International (TI)
 4. Millennium Development Goals, specially Goal 3 (Promote Gender Equality and Empower Women), the OECD's Gender initiative, or Krook (2009).
 5. Corruption Perception Index (CPI)

جهانی استفاده شده است: شاخص توسعه جنسیتی^۱ GDI، شاخص نابرابری جنسیتی^۲ GII.

مقاله حاضر از نظر روش تحلیل اسنادی است و از لحاظ هدف، کاربردی می‌باشد. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. این مقاله از پنج بخش تشکیل می‌شود؛ پس از مقدمه، بخش دوم به مرور ادبیات تحقیق اختصاص دارد. در بخش سوم تصریح مدل انجام می‌شود و در بخش چهارم نتایج سیستم‌های برآوردی ارائه می‌شوند. بخش پایانی نیز به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۲- مرور ادبیات تحقیق

گری بیکر^۳، برنده جایزه نوبل اقتصاد، دولت را ریشه اصلی فساد مالی می‌داند و معتقد است که تنها با حذف دولت می‌توان فساد مالی را ریشه‌کن کرد. اما با نگاهی به وضعیت کشورهای کانادا، دانمارک، فنلاند، سوئد و هلند با شفافیت^۴ بالا، ملاحظه می‌شود که دولت از اندازه بزرگ‌تری برخوردار است، لذا می‌توان بیان کرد که نحوه عملکرد و چگونگی فعالیت‌های دولتی است که بسیار حائز اهمیت می‌باشد، و فقط حضور دولت مهم نیست (کریمی پتانلار و همکاران، ۱۳۹۰).

لذا می‌توان بیان داشت که فساد مالی نتیجه طبیعی سوءاستفاده از قدرت است. جمله مشهور لرد آکتون^۵ که "قدرت، فساد می‌آورد و قدرت مطلق، فساد مطلق" به خوبی بیانگر این موضوع می‌باشد. قدرت دارای، این قابلیت است که مورد سوءاستفاده قرار گیرد. زمانی که استفاده از قدرت توسط نهادهای نماینده حقوق شهروندان کنترل و نظارت نشود، فساد مالی رخ می‌دهد، لذا می‌توان ادعا کرد که اگر چه فساد مالی هم‌چون یک فعل اقتصادی مشاهده می‌شود، اما تا زمانی که نهادهای سیاسی، مراقبت‌ها و کنترل‌های ضروری را اعمال کنند، نمی‌تواند موجودیت یابد (جین^۶، ۲۰۰۱). لذا مطالعات کاربردی و دقیق در رابطه با فساد مالی در جهت تعیین ریشه‌ها و پیامدهای فساد مالی گامی مهم در مهار آن می‌باشد. تحقیقات در رابطه با علل و عوامل

1. Gender Development Index (GDI)
2. Gender Inequality Index (GII)
3. Becker, Gary
4. Transparency
5. John Emerich Edward Dalberg-Acton
6. Jain

بروز فساد مالی طی دهه‌های اخیر با مطالعاتی بر روی رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی، مخارج دولت، تمرکززدایی، تجارت و سایر متغیرهای کلان اقتصادی گسترش یافته است. این تحقیقات نه تنها در حوزه اقتصاد بلکه در علوم سیاسی و روانشناسی نیز مورد توجه بسیاری قرار گرفته و تا آنجا ادامه یافته که تفاوت جنسیتی نیز به‌عنوان عاملی تأثیرگذار بر فساد مالی مطرح شده است. اقتصاددانان تفاوت رفتار زن و مرد در مقابل فساد مالی را مورد بحث قرار داده و آنچه توجه بسیاری را برانگیخته است، نتایج برخی تحقیقات مبنی بر اینکه در شرایط مختلف (کوتاه‌مدت و بلندمدت) و در سطوح متفاوت (نماینده‌ی مجلس، مدیریت بنگاه و حتی سهم نیروی کار معمولی) حضور پررنگ زنان در جامعه سطح فساد مالی را به شکل معنی‌داری کاهش می‌دهد. از دهه ۱۹۷۰ با قوت گرفتن تحلیل‌های جنسیتی در اقتصاد، نشان داده‌شد که «مردان بیش از زنان به منفعت شخصی خود اهمیت می‌دهند و زنان رتبه‌های بالاتری در آزمون‌های درستی و صداقت کسب کرده‌اند» (دالر و همکاران^۱، ۲۰۰۱).

دالر و همکاران^۲ (۲۰۰۱) و سوآمی و همکاران^۳ (۲۰۰۱)، طی مطالعاتی با استناد به شواهد کمی ارتباط بین فساد مالی و جنسیت را تأیید کرده و بیان داشته‌اند که در زنان به دلیل تفاوت‌های رفتاری در شخصیتشان احتمال ارتکاب به رشوه کمتر از مردان می‌باشد. به عبارتی هر دو مطالعه نشان داده‌اند که تشویق هرچه بیشتر زنان به مشارکت در سیاست می‌تواند به نفع جامعه باشد. گراو و همکاران^۴ (۲۰۱۱)، استانداردهای اخلاقی بالاتر در زنان و تمایل بیشتر آنان به رفاه عمومی را دلیل ارتکاب کمتر آنها به فساد مالی می‌دانند. همچنین می‌توان تمایل به ارتکاب در اقدامات فاسد را مربوط به میزان ریسک‌گریزی زنان و مردان در ارتکاب به اقدامات فساد مالی دانست. به طوری که زنان نسبت به مردان ریسک‌گریزتر بوده و در نتیجه کمتر دچار مصادیق فساد مالی می‌شوند (ایکل و فوربورن^۵، ۲۰۱۵). دلایل گوناگونی برای توضیح آن مطرح شده است، برخی از محققان بر این عقیده‌اند که چون فعالیت‌های فاسد همیشه با خطر برملا شدن و مجازات شدن همراه است، لذا زنان برای کاهش ریسک، کمتر به فساد ترغیب می‌شوند. دلیل دیگری که مطرح می‌شود این است که زنان نسبت به مردان دیرتر وارد بازار کار و

1. Dollar, D., Fisman, R., & Gatti, R.

2. Dollar et al.

3. Swamy et al.

4. Grove et al

5. Eckel and Fullbrunn

سیاست شده‌اند و به دلیل این حضور با تأخیر است که آنان هنوز با شبکه‌های فساد مالی و نحوه انجام فساد مالی آشنایی ندارند. در نتیجه کمتر وارد گروه‌های فساد مالی و اداری شده‌اند. که البته ممکن است با گذر زمان و آشنایی زنان با شبکه‌های فساد مالی، آنان نیز در ارتکاب جرم مانند مردان عمل کنند که در نتیجه این مطالعات، شانس زنان در مشارکت‌های سیاسی و موقعیت‌های دولتی و حتی پلیس افزایش یافته است.

در مقابل مطالعاتی که سعی در توجیه پاکدامنی زنان از فساد مالی و ارائه دلایلی منطقی در تأیید آن داشته‌اند. برخی محققان بر این باور هستند که مشارکت بیشتر زنان در عرصه‌های سیاسی توسط نظام مردمی و در سایه دموکراسی صورت می‌پذیرد که خود سبب افزایش برابری جنسیتی و بهبود خدمات دولتی می‌گردد. که نتیجه آن کاهش فساد مالی می‌باشد و در حقیقت افزایش کارایی حاکمیت است که فساد مالی را کاهش می‌دهد (ریواس^۱، ۲۰۰۸).

نظر به اینکه نابرابری جنسیتی تأثیر منفی و عمیقی بر رشد و توسعه جامعه دارد و تقریباً نیمی از جمعیت جامعه را از دخالت در توسعه باز می‌دارد، لذا با محدود کردن توانایی زنان در مطالبه حقوقشان، فساد مالی می‌تواند بر ارتقا نابرابری جنسیتی و کاهش توانمندسازی زنان تأثیرگذار باشد. ادبیات اخیر در حوزه اقتصاد حاکی از یک بعد بسیار مهم‌تر، مبنی بر اثرات نامتناسب فساد مالی بر زنان است که این امر بیشتر در وضعیت "دولت شکننده"^۲ خود را نشان می‌دهد، لذا با بررسی اثرات متقابل فساد مالی و نابرابری جنسیتی و با در نظر گرفتن علل و عوامل آن به‌ویژه نقش نهادها می‌توان یک استراتژی درست و کارا برای مهار فساد مالی در کشورها پیشنهاد کرد. در این زمینه مطالعاتی در داخل و خارج از کشور انجام شده‌است از جمله ایساری و چریلو^۳ (۲۰۱۳)، دبسکی و جتر^۴ (۲۰۱۵)، برین و همکاران^۵ (۲۰۱۶) و در داخل کشور صمیمی و حسینمردی (۲۰۱۱) و کریمی پتانلار و نباتی (۲۰۱۸)، که هر یک از مطالعات به نتایج ارزشمندی در راستای مطالعه دالر و همکاران (۲۰۰۰) دست یافته و نشان می‌دهند که حضور پررنگ زنان در عرصه‌های سیاست و اقتصاد منجر به کاهش قابل توجهی در میزان ارتکاب به مصادیق فساد مالی خواهد شد. در ادبیات این حوزه مطالعات ذیل با

-
1. Rivas
 2. Fragile State
 3. Esarey & Chirillo
 4. Debski & Jetter
 5. Breen, et al

رویکردی مشابه مقاله حاضر از نظر نهادی به تحلیل پرداخته‌اند که به آنها اشاره شده است.

سانگ^۱ (۲۰۱۲)، در تحقیقی با عنوان "زنان در دولت، فساد عمومی و لیبرال دموکراسی: تحلیل پانل"، حضور زنان به شکل عادلانه‌تر و با تعداد بیشتر در دولت و سیاست به معنای وجود سیستم و نظام عادلانه‌تر و دموکراتیک‌تری است که چنین امکانی را فراهم کرده و همین نظام عادلانه‌تر است که موجب کاهش فساد می‌شود نه درست‌کارتر بودن زنان نسبت به مردان. در واقع به عقیده او وقتی در یک نظام زنان بیشتری را به کار می‌گیرد نشان‌دهنده وجود یک نظام لیبرال دموکراسی است. در این تحقیق از روش داده‌های تابلویی برای ۲۰۴ کشور جهان طی سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۹۸ استفاده شده‌است. در این تحقیق با استفاده از چهار شاخص از شش شاخص حکمرانی‌های به‌عنوان شاخص معرف لیبرال دموکراسی و دو متغیر وابسته یکی شاخص کنترل فساد و دیگری تفاوت شاخص کنترل فساد در دوره ۲۰۰۴-۱۹۹۸ می‌باشد، همچنین متغیرهای مستقل شامل درصد زنان در مجلس قانون‌گذار و درصد زنان در وزرای کابینه و درصد تغییر این دو متغیر بین سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۹۸ به‌عنوان شاخص معرف زنان در دولت در نظر گرفته می‌شود. در این تحقیق از سیزده متغیر کنترل استفاده شده است که شامل: درآمد ملی سرانه، تجارت خارجی به‌صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی، امید به زندگی در بدو تولد، اندازه نسبی جمعیت زنان، تراکم جمعیت، ثبات سیاسی، فساد در ۱۹۹۸ و درصد تغییرات همه متغیرهای فوق به جز فساد برای دوره ۲۰۰۴-۱۹۹۸، به‌عنوان متغیرهای کنترل استفاده شده است. در این تحقیق علاوه بر موارد فوق نشان داده شد که نه میزان حضور زنان در دولت و نه تغییر در آن هیچ تأثیری بر شیوع و روند کوتاه‌مدت فساد مالی ندارد. اما قدرت نهادهای لیبرال و تغییر مثبت در آنها (افزایش در آن)، پیش‌بینی می‌شود که هم بر شیوع و هم روند فساد مالی تأثیر گذار باشد.

در مطالعه‌ای با عنوان "سیاستمداران زن، نهادها و اداراک فساد مالی" توسط بانز و بیولی^۲ (۲۰۱۸)، نظریه مرسوم در رابطه با زنان مبنی بر اینکه زنان کمتر از مردان درگیر مصادیق فساد مالی می‌باشند، به‌صورت تجربی با آزمایش و نظرسنجی به چالش کشیده شده و نتایج نشان می‌دهد که زنان چندان هم صادق نبوده و در نهادهای سیاسی

1. Hung-En Sung
2. Barnes and Beaulieu

به‌حاشیه رانده شده‌اند و چون نسبت به مردان در نظارت‌های نهادی ریسک‌گریزتر و مقیدترند این‌طور استنباط می‌شود که زنان کمتر مرتکب فساد مالی می‌شوند. اما زمینه‌های نهادی که زنان در آن فعال می‌باشند می‌تواند به فهم این باور رایج کمک کند که چرا مردم زنان را نسبت به مردان کمتر درگیر مصادیق فساد مالی می‌دانند.

مطالعه ایساری و شوئنت بایر (۲۰۱۹)، با عنوان "برآورد رابطه علی بین نمایندگی زنان در دولت و فساد مالی"، در حوزه علوم سیاسی نیز به بررسی رابطه علی بین نمایندگی زنان و فساد مالی پرداخته است. در این تحقیق با استفاده از داده‌های ۷۶ کشور تقریباً دموکراتیک برای سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۰ با مدل متغیرهای ابزاری (IV)^۱، به بررسی رابطه علیتی بین فساد مالی و نمایندگی زنان در پارلمان می‌پردازد. در این راستا از ابزارهای ثبت‌نام زنان در آموزش متوسطه^۲ و سهم زنان در نیروی کار^۳ به‌عنوان ابزارهایی که در اثرگذاری نمایندگی زنان بر فساد مالی مؤثر هستند و ابزارهای تقسیم‌بندی قوم‌شناسی^۴ و ثبات سیاسی^۵ به‌عنوان ابزارهای اثر گذار فساد مالی بر نمایندگی زنان استفاده کرده‌اند. نتایج حاکی از آن است که نمایندگی زنان به‌طور قابل توجه و معنی‌داری فساد مالی را کاهش داده و فساد مالی نیز موجب کاهش معنی‌دار مشارکت زنان در دولت می‌شود. در این مطالعه از دو شاخص درک فساد مالی و راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها به‌عنوان شاخص‌های فساد مالی استفاده شده است و به‌عنوان شاخص‌های معرف جنسیت، از شاخص‌های نسبت ثبت‌نام ناخالص زنان در مقطع متوسطه^۶، نسبت کل زنان به‌عنوان نیروی کار استفاده شده است.

در نهایت باهر و شارون^۷ (۲۰۲۰)، در مطالعه‌ای با عنوان "آیا زنان و مردان درک متفاوتی از فساد مالی دارند؟ تفاوت جنسیتی در نیاز یا حرص به فساد مالی" با یک نظرسنجی از قریب به ۸۰ هزار نفر در اتحادیه اروپا نشان داده‌اند که زنان بیشتر از مردان درک کرده‌اند که فساد مالی بیشتر ناشی از نیاز به فساد مالی است تا حرص به فساد مالی. به عبارتی آنچه منجر به ارتکاب فساد مالی از طرف زنان می‌شود نیاز به فساد مالی و از سوی مردان بیشتر حرص به فساد مالی می‌باشد. همچنین نشان داده‌اند که

1. Instrumental Variable Model
2. Female enrollment in secondary education
3. The proportion of women in the labor force
4. Ethnolinguistic fractionalization
5. Political stability
6. The gross enrollment ratio of females in secondary school
7. Bauhr and Charron

عوامل مهمی از جمله نقش اجتماعی و تجارب زندگی می‌تواند در درک انواع مختلف فساد مالی توسط زنان و مردان تأثیرگذار باشد. در مقایسه با مطالعات دیگر مقاله حاضر به لحاظ استفاده از شاخص‌های جنسیتی و انتخاب شاخص فساد مالی و ابزارهای معرف نهاد دولت نسبت به سایر مطالعات متفاوت می‌باشد.

۳- تصریح مدل

مقاله حاضر با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی (GMM-SYSTEM)، مبتنی بر روش متغیرهای ابزاری (IV) در پی آزمون دو فرضیه زیر می‌باشد:

فرضیه اول: بین فساد مالی و جنسیت رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: نهادها حلقه اتصال ارتباط بین فساد مالی و جنسیت می‌باشند.

در این راستا از شاخص ادراک فساد مالی^۱ (CPI) به منظور ارزیابی میزان شفافیت اقتصادی استفاده شده است. شاخص ادراک فساد مالی متعلق به بازه صفر تا ۱۰۰ بوده و شاخصی است ذهنی که هر ساله توسط سازمان بین‌المللی شفافیت^۲ (TI) محاسبه و منتشر می‌شود. در این شاخص مقدار عددی بزرگ‌تر بیانگر فساد مالی کمتر و شفافیت بیشتر است. به منظور بررسی حساسیت نتایج نسبت به انتخاب شاخص‌های جنسیتی، از دو شاخص جنسیتی استفاده شده است. شاخص توسعه جنسیتی^۳ (GDI) و شاخص نابرابری جنسیتی^۴ (GII) شاخص‌هایی ترکیبی بوده که هر ساله توسط سازمان برنامه توسعه ملل متحد^۵ (UNDP)، منتشر می‌شوند. از نظر عددی این دو شاخص بین صفر و یک بوده و هرچه به یک نزدیک‌تر شوند بیانگر توسعه جنسیتی بیشتر و نابرابری جنسیتی بیشتر می‌باشند. جدول (۱) بیانگر ویژگی‌های آماری متغیرهای سیستمی می‌باشد که ملاحظه می‌گردد واریانس مقطعی بین کشوری بیشتر از واریانس سری زمانی می‌باشد، به عبارتی شناسایی ضرایب از محل تفاوت‌های بین کشوری است.

-
1. Corruption Perception Index
 2. Transparency International (TI)
 3. Gender development Index (GDI)
 4. Gender Inequality Index (GII)
 5. United Nations Development Programme (UNDP)

جدول ۱. ویژگی‌های آماری متغیرهای سیستمی

مشاهدات	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار		میانگین	متغیر
۸۹۰	۹/۵	۱/۸	۲/۰۵		۴/۷۰	ادراک فساد مالی (CPI)
۸۹	۹/۱۵	۲/۰۶	۲/۰۳			
۱۰	۵/۵۷	۳/۴۷	۰/۳۲			
۸۹۰	۲/۴۵	-۱/۴	۱/۰۱	Overall Between within	۰/۱۷	کنترل فساد مالی (CCI)
۸۹	۲/۳۲	-۱/۳۵	۱/۰۱			
۱۰	۰/۷۱	-۰/۲۳	۰/۱۲			
۸۹۰	۱/۰۴	۰/۷۱	۰/۰۶	Overall Between within	۰/۹۵	توسعه جنسیتی (GDI)
۸۹	۱/۰۳	۰/۷۳	۰/۰۶			
۱۰	۰/۹۸	۰/۹۲	۰/۰۱			
۸۹۰	۰/۶۸	۰/۰۴	۰/۱۸	Overall Between within	۰/۳۳	نابرابری جنسیتی (GII)
۸۹	۰/۶۸	۰/۰۴	۰/۱۸			
۱۰	۰/۴۷	-۰/۰۰۲	۰/۰۲			

منبع: یافته‌های تحقیق با استفاده از نرم افزار stata

به‌منظور بررسی نقش نهاد دولت به‌عنوان عامل اثر گذار در ارتباط فساد مالی و جنسیت، با رویکرد متغیرهای ابزاری (IV)، متغیرهایی به این منظور و به‌عنوان ابزار در نظر گرفته شده‌اند. ابزارهای مورد استفاده به‌منظور بررسی حساسیت مدل به انتخاب ابزار و جهت تقویت مدل، به دو دسته تقسیم شده‌اند.

گروه اول از ابزارها، شش شاخص حکمرانی خوب^۱ که با موضوع کیفیت حکمرانی است و به‌عنوان نماینده‌ای از عملکرد دولت در نظر گرفته شده است و هر ساله توسط بانک جهانی برای بیشتر کشورهای جهان محاسبه و منتشر می‌شوند و عبارتند از:

- شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی^۲
- شاخص ثبات سیاسی^۳
- شاخص اثربخشی دولت^۴
- شاخص کیفیت قوانین و مقررات^۵

1. Governance data
2. Voice and Accountability (VA)
3. Political Stability and Absence of Violence/Terrorism (PS)
4. Government Effectiveness (GE)
5. Regulatory Quality (RQ)

- شاخص حاکمیت قانون^۱

- شاخص کنترل فساد^۲

گروه دوم از ابزارها، شاخص‌های بنیاد فریزر^۳ می‌باشند که همانند شاخص حکمرانی خوب به بررسی عملکرد دولت می‌پردازند، لذا شناسای نقش نهاد دولت می‌باشند و عبارتند از:

- اندازه دولت^۴

- ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت^۵

- دسترسی به پول سالم^۶

- آزادی تجارت خارجی^۷

- مقررات^۸

و در نهایت شاخص‌های توسعه انسانی^۹ (HDI)، توسعه فناوری اطلاعات^{۱۰} (IDI) و رشد اقتصادی^{۱۱} (تولید ناخالص داخلی سرانه) به‌عنوان شاخص‌هایی که بر بهبود هر یک از دو جنبه مقاله حاضر یعنی جنسیت و فساد مالی مؤثر بوده و به هر دو گروه اضافه شده‌اند، در نظر گرفته شده‌است. اطلاعات آماری این سه شاخص به ترتیب از پایگاه‌های گزارش توسعه انسانی سازمان توسعه ملل متحد^{۱۲} (HDR)، اتحادیه جهانی مخابرات^{۱۳} (ITU) و بانک جهانی (WB) استخراج شده‌است.

با توجه به ادبیات موضوع و هدف از پژوهش که تبیین رفتار جنسیتی انسانها در قالب نهادها می‌باشد، سیستم‌های ذیل جهت بررسی ارتباط بین شاخص فساد مالی و شاخص‌های جنسیتی با در نظر گرفتن ابزارهای نهادی تصریح شده‌اند. به‌طور کلی در پژوهش حاضر، سیستم‌های مورد بررسی با توجه به ابزارها به دو گروه دوتایی A مربوط به ابزارهای حکمرانی خوب و B مربوط به ابزارهای بنیاد فریزر تقسیم می‌شوند:

1. Rule of Law (RL)
2. Control of Corruption (CCI)
3. Fraser Institute
4. Size of Government (SOG)
5. Legal System and Property Rights (LSPR)
6. Sound Money (SM)
7. Freedom to Trade Internationally (EFW)
8. Regulation (REG)
9. Human Development Index (HDI)
10. ICT Development Index (IDI)
11. Economic Growth
12. Human Development Report (HDR)
13. International Telecommunication Union (ITU)

$$(1) \text{Corruption Index} = (\text{lag Corruption Index. Gender Index})$$

$$(2) \text{Gender Index} = (\text{lag Gender Index. Corruption Index}) \quad (۱)$$

در این راستا گروه اول از سیستم‌ها، با متغیرهای اصلی شاخص ادراک فساد مالی (CPI) و توسعه جنسیتی (GDI)، به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$CPI = C(1) + C(2)CPI(-1) + C(3)GDI$$

$$GDI = C(4) + C(5)GDI(-1) + C(6)CPI$$

$$IV(A) : = RQ, RL, VA, GE, PS, CCI, IDI, GDP, HD \quad (۲)$$

$$IV(B) : = LSRP, REG, SM, EFW, SOG, IDI, GDP, HDI$$

لازم به ذکر است تنها به منظور تصریح مدل، وقفه اول متغیر وابسته در سمت راست معادلات در نظر گرفته شده و وقفه اصلی در نتایج برآوردی مدل در جداول مشخص شده است.

به منظور تقویت مدل و اطمینان از نتایج مورد بررسی یکبار دیگر سیستم فوق با شاخص نابرابری جنسیتی (GII)، تخمین زده شده که به صورت معادله (۳) تصریح می‌شود:

$$CPI = C(1) + C(2)CPI(-1) + C(3)GII$$

$$GII = C(4) + C(5)GII(-1) + C(6)CPI \quad (۳)$$

$$IV(A) : = RQ, RL, VA, GE, PS, CCI, IDI, GDP, HDI$$

$$IV(B) : = LSRP, REG, SM, EFW, SOG, IDI, GDP, HDI$$

با توجه به مبانی نظری، انتظار می‌رود در حضور نهاد دولت، با افزایش شفافیت (افزایش شاخص ادراک فساد مالی)، شاخص توسعه جنسیتی، افزایش و شاخص نابرابری جنسیتی کاهش یابد.

۴- برآورد مدل

نظر به اینکه مقاله حاضر برآورد سیستمی بر پایه روش داده‌های تابلویی پویا می‌باشد. قبل از برآورد سیستم‌ها، به منظور اطمینان از نبود رگرسیون کاذب یا اطمینان از وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها آزمون هم‌انباشتگی^۱ انجام شده است. با استفاده از آزمون کائو و سطح احتمال به دست آمده فرضیه صفر مبنی بر نبود رابطه بلندمدت بین متغیرها رد شده و فرضیه مقابل مبنی بر وجود رابطه بلندمدت تأیید شده است، لذا مشکل رگرسیون کاذب وجود نداشته است. از سویی طبق مبانی اقتصاد، مدل مقاله حاضر به طور دقیق شناسا بوده و می‌توان تخمین‌های منحصر به فردی را برای هر یک از

ضرایب به‌دست آورد. همچنین به‌منظور بررسی اثر کشورها (مقاطع)، سه گروه کشورهای با درآمد بالا، با درآمد متوسط و با درآمد پایین نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در جدول (۲)، (۳)، (۴) و (۵)، نتایج برآورد سیستم‌هایی ارائه شده‌است که به‌طور هم‌زمان با حضور نهاد دولت، به بررسی رابطه شاخص ادراک فساد مالی با توسعه جنسیتی و نابرابری جنسیتی می‌پردازد^۱.

نتایج سیستم‌های (۲) که به برآورد ارتباط بین متغیرهای ادراک فساد مالی و توسعه جنسیتی پرداخته‌اند. در جدول (۲)، ارائه شده‌است. نتایج سیستم گروه IV(A) که در حضور ابزارهای نهادی حکمرانی خوب برآورد شده‌است حاکی از آن است که توسعه جنسیتی و شاخص ادراک فساد مالی^۲ رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار دارند، به‌گونه‌ای که با هر واحد افزایش در شاخص توسعه جنسیتی، شاخص ادراک فساد مالی ۰,۴۹ افزایش می‌یابد که با توجه به مفهوم شاخص ادراک فساد مالی، به این معنی است که با افزایش توسعه جنسیتی، شفافیت اقتصادی افزایش می‌یابد. همچنین با یک واحد افزایش در شاخص فساد مالی (افزایش شفافیت اقتصادی)، شاخص توسعه جنسیتی ۰,۰۰۳ بالا می‌رود.

با طبقه‌بندی کشورها از لحاظ درآمدی طبق استاندارد بانک جهانی، در کشورهای با درآمد بالا، کشورهای با درآمد متوسط و درآمد پایین نیز نتایج مشابهی ملاحظه شده‌است.

از سویی نتایج در سیستم گروه IV(B)، که با حضور ابزارهای نهادی بنیاد فریزر برآورد شده‌است، مشابه نتایج سیستم گروه IV(A) می‌باشد، به‌طوری‌که با یک واحد افزایش در شاخص ادراک فساد مالی (افزایش شفافیت اقتصادی)، شاخص توسعه جنسیتی ۰/۱۸ افزایش یافته و در مقابل، با یک واحد افزایش در شاخص توسعه جنسیتی، شاخص ادراک فساد مالی ۰/۴۹ افزایش می‌یابد، به عبارتی افزایش شفافیت اقتصادی در پی افزایش توسعه جنسیتی نتیجه شده که نتایج فوق با بررسی یه گروه درآمدی از کشورها نیز تأیید شده است.

۱. در مطالعه حاضر به‌ترتیب با استفاده از آزمون‌های او و هاسمن به این نتیجه رسیده‌ایم که مدل حاضر پانل از نوع فیکس افکت می‌باشد.

۲. شاخص ادراک فساد مالی عددی بین ۱ تا ۱۰ می‌باشد، که هرچه به سمت ۱۰ میل کند، بیانگر شفافیت بیشتر می‌باشد.

لذا می‌توان نتیجه‌گرفت، همان‌طور که انتظار می‌رفت شاخص‌های ادراک فساد مالی و توسعه جنسیتی در حضور شاخص‌های نهادی معرف عملکرد دولت، دارای رابطه‌ای مثبت و علیتی بوده و نتایج به انتخاب ابزارهای نهادی حساس نمی‌باشد.

جدول ۲. ارتباط شاخص ادراک فساد مالی و توسعه جنسیتی در حضور ابزارهای حکمرانی خوب

متغیر وابسته، شاخص ادراک فساد مالی				
ضریب تخمینی				متغیر
کشورهای با درآمد پایین	کشورهای با درآمد متوسط	کشورهای با درآمد بالا	کشورهای جهان	
۰,۸۴ (۰,۰۰)		۰,۹۶ (۰,۰۰)	۰,۹۶ (۰,۰۰)	CPI (-2)
	۰,۹۶ (۰,۰۰)			CPI (-3)
۰,۲۸ (۰,۰۴)	۰,۴۴ (۰,۰۰)	۰,۱۵۲ (۰,۰۷)	۰,۴۹ (۰,۰۲)	GDI
۰,۳ (۰,۰۳)	۰,۲۸ (۰,۱۵)	-۱,۱۹ (۰,۱۶)	-۰,۰۰۱ (۰,۰۱)	عدد ثابت
۱,۵۰	۱,۰۵	۱,۱۴	۱,۲۱	D.W
متغیر وابسته، شاخص توسعه جنسیتی				
۰,۹۴ (۰,۰۰)		۰,۹۳ (۰,۰۰)	۰,۹۵ (۰,۰۰)	GDI (-2)
	۰,۹۴ (۰,۰۰)			GDI (-3)
۰,۰۰۴ (۰,۰۰)	۰,۰۰۱ (۰,۰۱)	۰,۰۰۱ (۰,۰۴)	۰,۰۰۳ (۰,۱۲)	CPI
۰,۰۵ (۰,۰۰)	۰,۰۶ (۰,۰۰)	۰,۰۷ (۰,۰۰)	۰,۰۵ (۰,۰۰)	عدد ثابت
۱,۳۴	۰,۷۱	۱,۰۳	۱,۲۷	D.W
۰,۸۸	۰,۳۳	۰,۳۸	۰,۳۰	J- statistic

منبع: یافته‌های تحقیق

*مقادیر داخل پرانتز بیانگر سطح احتمال (prob) می‌باشند.

* حروف اختصاری معرف متغیرهای سیستمی می‌باشند: شاخص ادراک فساد مالی (CPI)، شاخص توسعه جنسیتی (GDI)

جدول ۳. ارتباط شاخص ادراک فساد مالی و توسعه جنسیتی در حضور ابزارهای بنیاد فریزر

متغیر وابسته، شاخص ادراک فساد مالی				
ضریب تخمینی				متغیر
کشورهای با درآمد پایین	کشورهای با درآمد متوسط	کشورهای با درآمد بالا	کشورهای جهان	
۰,۷۴ (۰,۰۰)		۰,۹۴ (۰,۰۰)	۰,۹۶ (۰,۰۰)	CPI (-2)
	۰,۹۲ (۰,۰۰)			CPI (-3)
۰,۵۱ (۰,۰۶)	۰,۴۵ (۰,۰۰)	۱,۳۹ (۰,۱۳)	۰,۴ (۰,۰۷)	GDI
۰,۴۴ (۰,۱۲)	۰,۳۹ (۰,۱۲)	۰,۰۵ (۰,۰۱)	-۰,۱۲ (۰,۵۶)	عدد ثابت
۱,۳۷	۱,۰۵	۱,۱۲۵	۱,۲۱۴	D.W
متغیر وابسته، شاخص توسعه جنسیتی				
			۰,۹۷ (۰,۰۰)	GDI (-1)
۰,۹۴ (۰,۰۰)		۰,۹۳ (۰,۰۰)		GDI (-2)
	۰,۹۴ (۰,۰۰)			GDI (-3)
۰,۰۰۵ (۰,۰۰)	۰,۰۰۱ (۰,۰۳)	۰,۰۰۱ (۰,۰۴)	۰,۱۸ (۰,۰۷)	CPI
۰,۰۵ (۰,۰۰)	۰,۰۶ (۰,۰۰)	۰,۰۷ (۰,۰۰)	۰,۰۳ (۰,۰۰)	عدد ثابت
۱,۳۷	۰,۷۱	۱,۰۳۳	۲,۴۵۵	D.W
۰,۷۸	۰,۳۴	۰,۳۴۹	۰,۳۰۸	J- statistic

منبع: یافته‌های تحقیق

*مقادیر داخل پرانتز بیانگر سطح احتمال (prob) می‌باشند.

* حروف اختصاری معرف متغیرهای سیستمی می‌باشند: شاخص ادراک فساد مالی (CPI)، شاخص توسعه جنسیتی (GDI)

در دو جدول (۴) و (۵)، نتایج برآورد سیستم‌های شماره (۴) مربوط به شاخص نابرابری جنسیتی و شاخص ادراک فساد مالی گزارش شده است.

جدول ۴. ارتباط شاخص ادراک فساد مالی و نابرابری جنسیتی در حضور ابزارهای حکمرانی خوب

متغیر وابسته، شاخص ادراک فساد مالی				متغیر
ضریب تخمینی				
کشورهای با درآمد پایین	کشورهای با درآمد متوسط	کشورهای با درآمد بالا	کشورهای جهان	
۱,۰۴ (۰,۰۰)	۰,۸۸ (۰,۰۰)	۰,۹۱ (۰,۰۰)	۰,۹۳ (۰,۰۰)	CPI (-2)
-۰,۹۹ (۰,۱۵)	-۰,۰۲ (۰,۰۰)	-۰,۵۰ (۰,۰۰)	-۰,۴۱ (۰,۰۰)	GII
۰,۵۳ (۰,۰۴)	۰,۴۸ (۰,۰۰)	۰,۶۶ (۰,۰۰)	۰,۵۱ (۰,۰۰)	عدد ثابت
۱,۶۱	۱,۱۴	۱,۲۵۹	۱,۱۹۷	D.W
متغیر وابسته، شاخص نابرابری جنسیتی				
			۰,۹۹ (۰,۰۰)	GII (-1)
۱,۰۷ (۰,۰۰)	۰,۹۷ (۰,۰۰)	۰,۹۵ (۰,۰۰)		GII (-2)
-۰,۰۱ (۰,۰۰)	-۰,۰۲ (۰,۰۷)	-۰,۰۰۱ (۰,۰۰)	-۰,۰۰۱ (۰,۰۰)	CPI
-۰,۰۲ (۰,۰۰)	۰,۲۹ (۰,۰۰)	۰,۰۱ (۰,۰۷)	۰,۰۰۲ (۰,۱۷)	عدد ثابت
۰,۸۵	۱,۱۳	۱,۲۳۱	۱,۶۱۵	D.W
۰,۷۷	۰,۳۲	۰,۴۱۴	۰,۲۸۴	J- statistic

منبع: یافته‌های تحقیق

*مقادیر داخل پرانتز بیانگر سطح احتمال (prob) می‌باشند.

* حروف اختصاری معرف متغیرهای سیستمی می‌باشند: شاخص ادراک فساد مالی (CPI)، شاخص نابرابری جنسیتی (GII)

نتایج برآورد سیستم‌ها با گروه IV(A)، گویای رابطه‌ای منفی و معنی‌دار بین شاخص‌های ادراک فساد مالی و نابرابری جنسیتی است، به طوری که با یک واحد افزایش در شاخص نابرابری جنسیتی، شاخص ادراک فساد مالی ۰/۴۱ کاهش یافته، که به معنی

کاهش در شفافیت از منظر ادراک عمومی فسادمالی است. از سویی با یک واحد افزایش در شاخص ادراک فسادمالی یعنی حرکت به سمت شفافیت، با احتمال ۰.۹۹٪، نابرابری جنسیتی به میزان ۰/۰۰۱ واحد کاهش می‌یابد. در مقابل نیز نتایج برآوردی در گروه IV(B)، که با حضور ابزارهای بنیاد فریزر است، مشابه نتایج با حضور شاخص‌های حکمرانی خوب می‌باشد.

همچنین با تفکیک اثر کشورها از نظر درآمدی ملاحظه می‌شود که نتایج با اطمینان بالایی مؤید اثر منفی و معنی‌دار فساد مالی و نابرابری جنسیتی بر یکدیگر می‌باشند.

جدول ۵. ارتباط شاخص ادراک فساد مالی و نابرابری جنسیتی در حضور ابزارهای بنیاد فریزر

متغیر وابسته، شاخص ادراک فسادمالی				
ضریب تخمینی				متغیر
کشورهای با درآمد پایین	کشورهای با درآمد متوسط	کشورهای با درآمد بالا	کشورهای جهان	
۱,۰۷ (۰,۰۰)	۰,۹۸ (۰,۰۰)	۰,۹۳ (۰,۰۰)	۰,۹۲ (۰,۰۰)	CPI (-2)
-۱,۱۱ (۰,۱۵)	-۰,۰۱ (۰,۱)	-۰,۳۷ (۰,۰۵)	-۰,۴۷ (۰,۰۰)	GII
۰,۴۸ (۰,۰۵)	۰,۱۹ (۰,۰۳)	۰,۵۷ (۰,۰۰)	۰,۵۸ (۰,۰۰)	عدد ثابت
۱,۶۷	۱,۲۱	۱,۱۰۵	۱,۱۸۵	D.W
متغیر وابسته، شاخص نابرابری جنسیتی				
۱,۰۵ (۰,۰۰)	۰,۹۸ (۰,۰۰)	۰,۹۵ (۰,۰۰)	۰,۹۸ (۰,۰۰)	GII (-2)
-۰,۰۰۵ (۰,۰۱)	-۰,۰۳ (۰,۰۰)	-۰,۰۰۱ (۰,۰۰)	-۰,۰۰۱ (۰,۰۱)	CPI
-۰,۰۰۲ (۰,۰۰)	-۰,۳۳ (۰,۰۰)	۰,۰۱ (۰,۰۳)	۰,۱۷ (۰,۰۸)	عدد ثابت
۰,۷۷	۱,۱۴	۱,۱۷۳	۱,۰۹۵	D.W
۰,۷۲	۰,۳۱	۰,۳۲۶	۰,۲۵۱	J- statistic

منبع: یافته‌های تحقیق

*مقادیر داخل پرانتز بیانگر سطح احتمال (prob) می‌باشند.

* حروف اختصاری معرف متغیرهای سیستمی می‌باشند: شاخص ادراک فساد مالی (CPI)، شاخص نابرابری جنسیتی (GII)

نتایج برآورد سیستم‌ها با گروه IV(A)، گویای رابطه‌ای منفی و معنی‌دار بین شاخص‌های ادراک فساد مالی و نابرابری جنسیتی است. به طوری که با یک واحد افزایش در شاخص نابرابری جنسیتی، شاخص ادراک فساد مالی ۰,۴۱ کاهش یافته که به معنی کاهش در شفافیت از منظر ادراک عمومی فساد مالی است. از طرفی با یک واحد افزایش در شاخص ادراک فساد مالی یعنی حرکت به سمت شفافیت، با احتمال ۰,۹۹، نابرابری جنسیتی به میزان ۰,۰۰۱ واحد کاهش می‌یابد. در مقابل نیز نتایج برآوردی در گروه IV(B)، که با حضور ابزارهای بنیاد فریزر است، مشابه نتایج با حضور شاخص‌های حکمرانی خوب می‌باشد.

هم‌چنین با تفکیک اثر کشورها از نظر درآمدی ملاحظه می‌شود که نتایج با اطمینان بالایی مؤید اثر منفی و معنی‌دار فساد مالی و نابرابری جنسیتی بر یکدیگر می‌باشند.

در نتیجه برآوردهای سیستمی فوق می‌توان اذعان داشت نوع حاکمیت و عملکرد دولت، میزان توسعه فناوری اطلاعات، رشد اقتصادی و توسعه انسانی در جوامع بر رابطه متغیرهای جنسیتی و فساد مالی به شدت تأثیرگذار است، لذا فرضیه‌های مقاله حاضر که در راستای تبیین رفتار جنسیتی انسان‌ها در قالب نهادهای متفاوت بوده مبنی بر وجود رابطه بین شاخص فساد مالی و شاخص‌های جنسیتی و نقش نهادها به‌عنوان حلقه اتصال این ارتباط، تأیید شده است. افزون بر این، تحقیق حاضر بیانگر عدم حساسیت نتایج به انتخاب شاخص‌های جنسیتی، انتخاب ابزارهای نهادی معرف دولت و اثر کشورها از نظر درآمدی می‌باشد.

۵- نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی پویا به بررسی رابطه دو سویه فساد مالی و جنسیت با بهره‌گیری از داده‌های آماری ۸۹ کشور جهان طی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۷ پرداخته است، که انتخاب کشورها با توجه به دسترسی به اطلاعات آماری بوده است. در این راستا از شاخص ادراک فساد مالی و شاخص‌های توسعه جنسیتی، نابرابری جنسیتی استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که:

اثر متقابل جنسیت بر فساد مالی اثبات شده است و به نوع ابزارها و شاخص‌های جنسیتی حساس نمی‌باشد. اما دست‌یابی به این نتیجه تنها به معنی صادق‌تر بودن و قابل اعتمادتر بودن زنان نیست، چرا که در پژوهش حاضر با دیدگاهی وسیع‌تر از نظر

جنسیتی، این مقوله مورد بررسی قرار گرفته است، لذا به منظور بررسی رابطه بین فساد مالی و جنسیت، باید در پی مسئله‌ای بسیار مهم‌تر از ویژگی‌های فردی یا جنسیتی بود. نهادها شاید همان حلقه مفقود شده ارتباط دوسویه فساد مالی و جنسیت باشند. در این راستا، مقاله حاضر به بررسی رابطه این دو متغیر در حضور نهاد دولت پرداخته است. لازم به ذکر است که منظور از دولت، عملکرد دولت می‌باشد. نتایج حاکی از آن است که فرضیات تحقیق به نتیجه رسیده و نهاد دولت حلقه مفقوده این ارتباط است، به طوری که در حضور نهاد دولت، با افزایش شفافیت اقتصادی، شاخص‌های توسعه اقتصادی افزایش و نابرابری جنسیتی کاهش می‌یابند. از سویی با بهبود توسعه جنسیتی و کاهش نابرابری جنسیتی، شفافیت اقتصادی افزایش می‌یابد. در تمام سیستم‌های مورد بررسی آزمون سازگان مبنی بر معتبر بودن ابزارها تأیید شده و آماره دوربین واتسون نیز قابل قبول می‌باشد. بنابراین طبق نتایج می‌توان اذعان داشت که هر دو فرضیه مقاله حاضر تأیید شده است.

فرضیه اول: بین فساد مالی و جنسیت رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: نهادها حلقه اتصال ارتباط بین فساد مالی و جنسیت می‌باشند.

لذا بیان این جمله از میلتون فریدمن^۱ (۱۹۷۵)، خالی از لطف نیست:

«من باور ندارم که راه حل مشکلات ما این باشد که تنها افراد درستی را انتخاب کنیم. نکته مهم، ایجاد فضایی است که در آن منفعت افراد نادرست در انجام کار درست باشد. در غیر این صورت حتی افراد درست هم کار خوب را انجام نخواهند داد، یا اگر هم سعی کنند انجام دهند، به سرعت از دولت کنار گذاشته می‌شوند.»

در خاتمه در راستای نتایج به دست آمده می‌توان اذعان داشت که نوع عملکرد دولت به عنوان یکی از تأثیرگذارترین عوامل بر شفافیت اقتصادی و نیل به سمت برابری‌های اجتماعی و توسعه اقتصادی است، به طوری که بیشتر ریشه‌ها و پیامدهای عارضه‌های هم‌چون فساد مالی و نابرابری جنسیتی در سایه عملکرد نامناسب دولت‌ها به وقوع می‌پیوندند، لذا اندازه بهینه دولت و تغییر در هدف‌گذاری سیاست‌ها با رویکرد

1. Milton Friedman (1975): "I do not believe that the solution to our problem is simply to elect the right people. The important thing is to establish a political climate of opinion which will make it politically profitable for the wrong people to do the right thing. Unless it is politically profitable for the wrong people to do the right thing, the right people will not do the right thing either. or if they try, they will shortly be out of office."

بهبود شاخص‌های بخش عمومی، اعتمادسازی و شفافیت می‌تواند عاملی مهم در مهار عارضه‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی باشد. هم‌چنین برای مطالعات آتی در این زمینه پیشنهاد می‌شود با استفاده از سایر شاخص‌های شفافیت، جنسیت، ابزارهای نهادی و هم‌چنین طبقه‌بندی‌های دیگر از کشورها حساسیت نتایج بررسی شود.

پیوست

لیست کشورها

Albania	Israel	Serbia	India
Argentina	Japan	Slovenia	Indonesia
Armenia	Jordan	Sri Lanka	Iran
Australia	Kenya	Sweden	Ireland
Austria	Latvia	Tanzania	Italy
Azerbaijan	Lesotho	Tunisia	Jamaica
Belgium	Mali	Uganda	Kazakhstan
Bolivia	Mauritania	Ukraine	Kuwait
Botswana	Mexico	United Arab Emirates	Lithuania
Brazil	Morocco	Uruguay	Luxembourg
Bulgaria	Mozambique	Vietnam	Malawi
Burkina Faso	Nepal	Zambia	Malta
Cambodia	Netherlands	Zimbabwe	Mauritius
Colombia	New Zealand	Algeria	Mongolia
Costa Rica	Norway	Bahrain	Pakistan
Croatia	Panama	Bangladesh	Peru
Cyprus	Paraguay	Canada	Philippines
Czech Republic	Poland	Denmark	Portugal
Dominican Republic	Qatar	Ecuador	Spain
El Salvador	Romania	Germany	Switzerland
Estonia	Russia	Greece	Thailand
Finland	Senegal	Guatemala	Trinidad And Tobago
Turkey			
۸۹	کشورهای جهان		
۳۶	کشورهای با درآمد بالا		
۴۶	کشورهای با درآمد متوسط		
۷	کشورهای با درآمد پایین		

منابع

۱. کریمی پتانلار، سعید، بابازاده، محمد، حمیدی، نعیمه (۲۰۱۲). اثر فساد مالی بر ترکیب مخارج دولت: مطالعه موردی کشورهای منتخب در حال توسعه. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۲(۴۶)، ۱۴۱-۱۵۶.
۲. کریمی، سعید، گیلک حکیم آبادی، محمد تقی و نیاتی (۲۰۱۸). فساد مالی و
۳. اشتغال زنان در کشورهای منتخب. پژوهشنامه زنان، ۸(۲۲)، ۶۵-۸۱
4. Barnes, T. D., & Beaulieu, E. (2019). Women politicians, institutions, and perceptions of corruption. *Comparative Political Studies*, 52(1), 134-167.
5. Bauhr, M., & Charron, N. (2020). Do men and women perceive corruption differently? Gender differences in perception of need and greed corruption. *Politics and Governance*, 8(2), 92-102.
6. Breen, M., Gillanders, R., McNulty, G., & Suzuki, A. (2017). Gender and corruption in business. *The journal of development studies*, 53(9), 1486-1501.
7. Debski, J., & Jetter, M. (2015). Gender and corruption: a reassessment . IZA Discussion Paper No. 9447.
8. Dollar, D., Fisman, R., & Gatti, R. (2001). Are women really the “fairer” sex? Corruption and women in government. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 46(4), 423-429.
9. Eckel, C. C., & Füllbrunn, S. C. (2015). Thar she blows? Gender, competition, and bubbles in experimental asset market. *American Economic Review*, 105(2), 906-20.
10. Esarey, J., & Chirillo, G. (2013). “Fairer sex” or purity myth? Corruption, gender, and institutional context. *Politics & Gender*, 9(4), 361-389.
11. Esarey, J., & Schwindt-Bayer, L. A. (2019). Estimating causal relationshipst between women’s representation in government. and corruption. *Comparative Political Studies*, 52(11), 1713-1741.
12. Fernanda Rivas, M. (2008). An experiment on corruption and gender. *Elektronische Ressource. Working Paper of the University of Granada. Verfügbar unter: http://www.ugr.es/~teoriahe/RePEc/gra/wpaper/thepapers08_10.pdf [01.03. 2012].*
13. Grove, W. A., Hussey, A., & Jetter, M. (2011). The gender pay gap beyond human capital heterogeneity in noncognitive skills and in labor market tastes. *Journal of Human Resources*, 46(4), 827-874.
14. Jain, A. (2001). Corruption: A review. *Journal of Economic Surveys*, 15(1), 71-121.
15. Samimi, A., & Hosseinmardi, H. (2011). Gender and corruption: Evidence from selected developing countries. *Middle-East Journal of Scientific Research*, 9(6), 718-727.
16. Sung, H. E. (2012). Women in government, public corruption, and liberal democracy: a panel analysis. *Crime, law and social change*, 58(3), 195-219.
17. Swamy, A., Knack, S., Lee, Y., & Azfar, O. (2001). Gender and corruption. *Journal of development economics*, 64(1), 25-55.

Estimating Relationship Between Corruption and Gender Indicators: A Case Study from Selected Countries of the World

Naime Hamidi¹, Karim Azarbayjani,^{*2}, Morteza Sameti³

1. PhD Candidate in Economics, Department of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran, nhamidi66@yahoo.com

2. Professor of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, k_azarbayjani@ase.ui.ac.ir

3. Professor of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, msameti@gmail.com

Received: 2020/01/28 Accepted: 2020/12/26

Abstract

Does increasing the presence of women in government lead to less corruption, or does corruption prevent the presence of women? Are these effects significant enough in one or both directions? This paper has used the dynamic panel data approach (GMM-SYSTEM) and statistical data of 89 countries including Iran during the period of 2008-2017. So, This paper by Estimating Relationship Between Corruption and Gender Indicators answered the above questions.

The results of estimating systems indicate that government institution is a missing loop in relationship between corruption and gender and its effects are statistically significant

JEL Classification : H11, H12, J08, J16, J18, O11

Keywords: Corruption, Gender, Institutions, Government, GMM-SYSTEM

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

*. Corresponding Author, Tel: 09131160248